

هو العليم

فلسفہ دعا و شرایط استجابت (۲)

مبانی اخلاق - مجلس ہشتم

بیانات

علامہ حاج سید محمدحسین حسینی طهرانی
قدس اللہ سرہ

طهران، مسجد قائم، شب ۲۱ رمضان المبارک
سال ۱۳۹۷ ہجری قمری

أعوذ بالله من الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَارِيِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ بَاعَثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ
وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَيَّ أَشْرَفِ السُّفَرَاءِ الْمُكْرَمِينَ،

خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ

حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيَّ آلِهِ

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيَّ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ
الدِّينِ

دعا روح عبادت

قال الله الحَكِيمُ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ
دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا
بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾¹

سابقاً عرض شد که اساس دین بر عبادت

است و اساس عبادت بر دعا است. دعا روح

و جان عبادت است، و شخصیت و کینونت

شخص مؤمن و متدین به دین، به همان حال

التجا و توسلی که به مقصد خود و به خدا دارد

بستگی دارد؛ هرچه این حال بهتر باشد، ایمان

او قوی تر و یقین او استوارتر است و هرچه

کمتر باشد، از این مرحله نصیب کمتری

دارد.

شرایط استجاب دعا

برای دعا شرایطی ذکر شده است،

من جمله آن شرایط: یکی این است که انسان

قبل از دعا، خدا را تمجید کند، تحمید کند،

¹ 11 سوره بقره (۲) آیه ۱۸۶.

تحسین کند، صفات علیا و اسماء حسناى او را برشمرد، او را به قدرت و عظمت بستاید، یکایک نِعمی را که به انسان داده است یاد کند و بعد دعا کند و از او چیزی طلب کند.¹

لذا مشاهده می‌کنیم در ادعیّهای که از ائمّه اطهار علیهم السّلام روایت شده است، همه بر این مضمون و بر این طریق است. در همین دعای افتتاح که در شب‌های ماه رمضان می‌خوانیم و دعای بسیار عالیة المضامینی است، اوّل به حمد خدا و ستایش او شروع می‌کند:

اللّهُمَّ إِنِّي أفتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمِمْكَ...

و صفات خدا را می‌شمارد و تمجید می‌کند

و بعد درخواست می‌کند:

اللّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ...²

و آن وقت دعا می‌کند.

در دعای کمیل داریم:

اللّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي فَهَرَّتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ وَ خَضَعَتْ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ...

یکایک صفات خدا را می‌شمارد و بعد

می‌گوید:

اللّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ العِصْمَ...³ و

شروع به دعا می‌کند.

یا در دعای صباح داریم:

اللّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبْلُجِهِ، وَ سَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَاطِهَا تَلْجُجِهِ...

و بعد شروع به دعا می‌کند:

1 إحياء علوم الدّين، ج ۱، جزء ۳، ص ۵۵۶؛ الكافي، ج ۲، ص ۴۸۴ و ۴۸۵.

2 تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۱۰۸ - ۱۱۱. شرح فقراتی از دعای افتتاح، ص ۲۴ و ۱۵۳:

«خدایا من افتتاح می‌کنم ثناء را به حمد تو، و تو کارهای راست و درست و یقینی و استوار را از روی من خود و کرم خود تسدید می‌کنی (یعنی کار را محکم می‌کنی).

پروردگارا، من از تو درخواست مسئله‌ای کوچک از دریای بی‌کران لطف تو دارم، درحالی‌که نیاز من به آن بسیار است.»

3 مصباح المتهدّد، ج ۲، ص ۸۴۴ - ۸۵۰. ترجمه از معاد شناسی، ج ۳، ص ۱۵۷؛ و شرح فقراتی از دعای أبوحمره، ج ۲، ص ۱۶۴:

«بار خدای من، من تو را می‌خوانم به مقام رحمت خود که تمام موجودات را فرا گرفته است، و به قوّتت که با آن تمام موجودات را مقهور فرمودی و در مقابل آن همه چیز به حال خضوع و ذلّت درآمد...»

خدایا بیامرزش آن گناहانی را که پرده عصمت را پاره می‌کند.»

و حَقًّا هُمْ هَمِينَ طُورِ اسْتِ؛ انسان وقتی چیزی از یک بزرگ تقاضا می‌کند، اوّل صفات و کرم او را بیان می‌کند و بعد از او تقاضا می‌کند.

یکی دیگر از شرایط دعا «یقین» است به اینکه مطمئن باشد که خدا می‌تواند حاجت انسان را بدهد، و دعا از روی شکّ و تردید و ریب نباشد. هر دعایی که از روی یقین باشد، به منصّه اجابت می‌رسد!²

یکی دیگر از شرایط دعا «إلحاح» است، یعنی اصرار کردن. انسان وقتی چیزی از شخصی می‌خواهد و می‌داند که این مشکل فقط به دست او حل می‌شود، جدّی می‌خواهد؛ اما اگر شکّ داشته باشد که آن شخص می‌تواند این مشکل را حلّ کند یا نه، با خون‌سردی از او مطلبی را تقاضا می‌کند. از خدا باید جدّی خواست؛³ چون:

أَزِمَّةُ الْأُمُورِ طُرًّا بِيَدِهِ *** وَ الْكُلُّ مُسْتَمِدَّةٌ مِنْ

مَدَدِهِ⁴

«تمام این زمام‌ها و رشته‌های امور به دست خدا است، و تمام کائنات از مدد خدا امداد می‌شوند.»

این فقره منتخب از دعای امیرالمؤمنین علیه السّلام است که می‌فرماید: «عِلْمًا بِأَنَّ أَرِمَّةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ وَ مَصَادِرَهَا عَنْ قَضَائِكَ.»⁵

¹ بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۳۹ - ۳۴۱. ترجمه:

«بار پروردگارا، ای کسی که روشنائی صبح‌دم را با بیان تابناکش بیرون آورد، و قطعه‌های شب تاریک را با سیاهی تحیرش پراکنده کرد...»

خدایا، درهای روز را با کلیدهای رحمت و رستگاری به روی ما بگشا!» (محقق)

² الکافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

³ همان، ص ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۹۰؛ عدّة الدّاعی، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

⁴ شرح المنظومة، ج ۲، ص ۳۵.

⁵ نهج البلاغة (صبحی صالح)، ص ۳۴۹، خطبة ۲۲۷. تفسیر آیه نور، ص ۲۴۳، تعلیقه:

«زیرا که می‌دانند سررشته تمام کارها به دست توست، و صدور احکام قضاء به فرمان تو می‌باشد.»

یکی از شرایط دعا این است که انسان وقتی حال انقطاع به سوی خدا دارد و حالش خوش است، و آن وقتی که رحمت پروردگار نازل می‌شود، دعا کند؛ اما وقتی که حالش متغیر است یا وقتی که غضب خدا می‌خواهد نازل شود، دعا زیاد تعریف ندارد.¹

مرحوم کلینی در کافی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که در چهار موقع دعا را مغتنم بشمارید:

إِغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ أَرْبَعٍ: عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ عِنْدَ الْأَذَانِ وَ عِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ وَ عِنْدَ التَّقَاءِ الصَّفِّينِ لِلشَّهَادَةِ.²

«وقتی که تلاوت قرآن می‌کنید، بعد از آن دعا کنید!»

زیرا که در حال تلاوت قرآن، شما مشغول صحبت کردن با خدا بودید و کلام او را استماع کردید و انقطاعی پیدا کردید و رحمتی به شما نازل شده است؛ لذا دعا بعد از تلاوت قرآن مستجاب است.

«و دعا بعد از اذان مستجاب است.»

خدا را به تکبیر و تحمید یاد کردید، شهادت بر توحید و رسالت دادید، بر سنت پیغمبر اعلام به نماز کردید و حالی پیدا کردید، و اگر دعا کنید مستجاب است؛ لذا مستحب است انسان بعد از اذان دعا کند. (همچنین دعا بین اذان و اقامه هم وارد شده است.³)

«و هنگامی که باران از آسمان می‌آید، دعا کنید! (چون رحمت خدا نازل می‌شود.)»

و وقتی دو صف: صف مؤمنین و صف کفار و مشرکین برای جنگ در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند.»

مؤمنین در مقابل کفارند و آماده برای شهادت، در میدان جهاد قدم گذاشته‌اند و همه

1 الکافی، ج ۲، ص ۴۷۷.

2 همان.

3 عده الدّاعی، ص ۱۲۵.

به سوی خدا منقطع‌اند، اینجا دعا مستجاب است؛ لذا قبل از اینکه جنگ کنند، دعا کنند.

روایت دیگری در کافی از حضرت

صادق علیه السلام است که می‌فرماید:

أَطْلُبُوا الدُّعَاءَ فِي أَرْبَعِ سَاعَاتٍ: عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيحِ وَ زَوَالِ الْأَفْيَاءِ وَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الْقَتِيلِ الْمُؤْمِنِ؛ فَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ عِنْدَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ.¹

«در چهار ساعت دعا کنید: وقتی که باد

می‌وزد، دعا کنید! (آن وزش باد رحمت خدا

است.) و در وقتی که سایه‌ها می‌رود و

خورشید غروب می‌کند (در آن منظره غروب

خورشید)، دعا مستجاب است.»

خدا هم در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَسَبِّحْ

بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾.²

«و وقتی باران از آسمان می‌آید، دعا کنید! و

وقتی اولین قطره از خون شهید مؤمن به

زمین ریخته می‌شود، دعا کنید! این ساعت

خیلی قیمت دارد و درهای آسمان در این

مواقع باز است و کسی که دعا کند، دعایش

مستجاب است.»

حصول شرایط استجاب دعا در شب قدر

حالا که شب بیست و یکم ماه رمضان

است و ما در این مسجد آمده‌ایم، غیر از آن

شرایطی که سابقاً ذکر شد³ و ان شاء الله در ما

محقق است، مسلماً بعضی از این شرایط هم

که ذکر کردیم، محقق است؛ اولاً: بعد از نماز

و تلاوت قرآن و عبادت و اذان و دعا و اینها

است، و ثانیاً: دعایی که می‌کنیم جداً بخواهیم

و در این دعا إلحاح داشته باشیم و یقین داشته

باشیم که کار به دست خدا است و بس!

امشب شب عزیزی است، شب شهادت

امیرالمؤمنین است، یگانه دُرّ صدف کائنات،

یگانه والی عالم امکان و یگانه خورشید

¹ الکافی، ج ۲، ص ۴۷۶.

² سوره طه (۲۰) آیه ۱۳۰. نور ملکوت قرآن، ج ۲، ص ۵۴۳:

«و قبل از آنکه آفتاب طلوع کند و قبل از آنکه غروب نماید، با حمد و ستایش پروردگارت او را تسبیح کن!»

³ رجوع شود به ص ۱۵۸.

آسمان ولایت، که امشب خون او به زمین ریخته شده است؛ بنابراین در چنین موقعی دعا کنیم، کأنه در اطراف بستر امیرالمؤمنین هستیم و به برکت آن حضرت که واسطه فیض و موجب جلب افاضات عالم ملکوت بر این عالم است، خدا تفضلی می‌کند و دعاها را مستجاب می‌کند.

همه به‌سوی خدا منقطع باشید و یک توبه اجمالی از همه گناهان بکنید، بعد برای قضای حوائج شخصی، نوعی، رفع گرفتاری‌ها، فرج امام زمان، تعجیل ظهور آن حضرت، صفای قلب، زیادی یقین، روحانیتی که خدا به دل‌های شما بدهد و از عمری که می‌کنید حداکثر استفاده را بنمایید و در عاقبت عاقبت نصیب شما بشود، دعا کنید! اینها مسائل خیلی مهمی است که در این مواقع حسّاس، اگر از خدا بخواهیم امید استجابت داریم.

عَلَّتْ لَزُومَ پَابِندی هَمَهٗ افراد به آخِرین

وَصِیَّتِ امیرالمؤمنین علیه السّلام

امیرالمؤمنین علیه السّلام چند وصیّت کردند که وصیّت‌های آن حضرت در کتب معتبره ثبت شده است. یک وصیّت هم امروز کردند، که مرحوم کلینی آن وصیّت را در فروع کافی در کتاب وصایا ذکر کرده است،¹ و همچنین ابن‌شعبه حرّانی در تحف العقول آورده است.² این وصیّت امیرالمؤمنین که راجع به نماز و زکات و احسان و دست‌گیری از ایتام و مستمندان و حجّ بیت‌الله الحرام و سایر جهات است، طبق فرمایش آن حضرت، اختصاص به حضرت امام حسن و امام حسین و سایر فرزندان آن حضرت ندارد، بلکه می‌فرماید: «مَنْ بَلَغَهُ کتَابی؛ کسی که این وصیّت من به او برسد او وصیّ من است؛ هر که می‌خواهد

1 الکافی، ج ۷، ص ۵۱.

2 تحف العقول، ص ۱۹۷.

باشد.» بنابراین ما این وصیت را می‌خوانیم و معنا می‌کنیم و بعد ان شاء الله به مقدار مقتضی در احوالات امیرالمؤمنین صحبت می‌کنیم. این وصیتی که الآن قرائت می‌شود، بعد از این فرمایش حضرت است: «هر کس این وصیت را بشنود وصی من است.» بنابراین ما همه وصی امیرالمؤمنین می‌شویم، پس خیلی دارای مقام و شرف هستیم که امیرالمؤمنین ما را وصی خود قرار می‌دهد! آن وقت در این مقام باید دانست که کسی که وصی امیرالمؤمنین بشود و بر خلاف وصیت رفتار کند، کارش مشکل است؛ چون در قرآن مجید داریم:

﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾¹

«شخصی که از دار دنیا می‌خواهد برود و کسی را وصی خود قرار می‌دهد، آن کسی که وصی می‌شود باید طبق وصیت رفتار کند؛ اگر تبدیل بکند، تحریف بکند و مواد و موارد وصیت را از روی ذوق و سلیقه خود عوض بکند گناه بر گردن او است، و خدا دانا است و از تحریف و تبدیل او اطلاع دارد.»

حالا همه آماده باشیم که وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام را گوش کنیم و از خدا بخواهیم که ما را به عمل کردن بر طبق این وصیت، موفق کند:

فرازهای از وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام در نوزدهم ماه مبارک رمضان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 هذا ما أوصى به علي بن أبي طالب: أوصى أنه يشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدًا عبده ورسوله، ﴿أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾²، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ

¹ 11 سوره بقره (۲) آیه ۱۸۱.

² 22 سوره توبه (۹) آیه ۳۳؛ سوره صف (۶۱) آیه ۹.

لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ»¹

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. این آن موادی است که علی بن ابی طالب به آن وصیت کرده است؛ وصیت می کند بر یگانگی پروردگار و شهادت بر آن می دهد، و شهادت می دهد که محمد بنده خدا و رسول خدا است که: ﴿خدا او را با هدایت فرستاده است برای اینکه مردم را به عالم توحید و معرفت رهبری کند، و او را با دین حق فرستاده است تا اینکه دین او بر سایر ادیان و آراء و مذاهب غلبه کند، گرچه مشرکین را ناپسند باشد﴾. پس ﴿نماز من، عبادت من، زندگی من و مردن من اختصاص به خدا دارد * پروردگار و آفریدگار عالمیان، شریکی ندارد، و من مأمور به این مطلب هستم و شهادت می دهم که من از مسلمانانم﴾.»

وصیت امیرالمؤمنین به تقوا و اتحاد بین

مؤمنین

ثُمَّ إِنِّي أَوْصِيكَ يَا حَسَنَ وَ جَمِيعَ أَهْلِ بَيْتِي وَ
وُلْدِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي، بِتَقْوَى اللَّهِ رَبِّكُمْ ﴿وَلَا
تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾²

«پس حقاً من تو را وصی قرار می دهم ای
فرزندم، ای حسن، و وصی قرار می دهم
جمیع اهل بیت خود و فرزندان خود را، و هر
کس که این وصیت من و این نوشته من به او
برسد؛ شما را به تقوای خدا که پروردگار شما
است سفارش می کنم و وصیت می کنم که
﴿مبادا شما را مرگ دریابد الا به حال اسلام و
تسلیم او امر پروردگار!﴾»

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾³،
فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
يَقُولُ: «صَلَاخُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ
الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ؛ وَ أَنَّ الْمُبِيرَةَ الْحَالِقَةَ لِلدِّينِ

¹ 1 سوره أنعام (6) آیه ۱۶۲ و ۱۶۳.

² 2 سوره آل عمران (3) آیه ۱۰۲.

³ 3 سوره آل عمران (3) آیه ۱۰۳.

فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ.» و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

«همه به ریسمان خدا چنگ بزنید، یکدل و یکجهت و یکهدف باشید و جدایی و تفرقه نداشته باشید.» و من از پیغمبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «اگر کسی بین دو نفر که با یکدیگر کدورت دارند اصلاح کند، ثوابش از همه نمازها و روزه‌ها بیشتر است؛ و آن چیزی که اساس دین را ریشه‌کن می‌کند و می‌برد، فساد کردن و آتش کدورت را دامن زدن است بین دو نفر که با یکدیگر کدورت دارند.»»

وصیت امیرالمؤمنین نسبت به خویشاوندان،

یتیمان، قرآن و همسایگان

أَنْظُرُوا ذَوِي أَرْحَامِكُمْ فَصَلُّوهُمْ، يُهَوِّنُ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْحِسَابَ!

«دیگر آنکه در ارحام خود نظر کنید، از احوالات آنها تفقد و تجسس کنید، به رحم‌های خود رسیدگی کنید و آنها را صلّه کنید، خدا هم به پاداش این عمل، حساب شما را در روز بازپسین آسان می‌کند!»

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْيَتَامِ! فَلَا تُغْبَوُوا أَفْوَاهَهُمْ وَ لَا يَضِيعُوا بِحَضْرَتِكُمْ! فَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: «مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَسْتَعْنِيَ أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةَ، كَمَا أَوْجَبَ لِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ النَّارَ.»

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را درباره یتیمان در نظر بگیرید! مبادا آنها گرسنه بمانند! مبادا به آنها رسیدگی نشود و از آنها سرپرستی نکنید! مبادا در مرئی و منظر شما حق آنها ضایع بشود! من از پیغمبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «کسی که متکفل امر یتیمی بشود تا به سر حدی که خود آن یتیم مستغنی بشود و در امورش خود مختار شود، خدا به پاداش این عمل، بهشت را بر او واجب

می‌کند؛ کما اینکه به خورنده مال یتیم آتش را واجب کرده است.»»

اللّٰهُ اللّٰهُ فِى الْقُرْآنِ! فَلَا يَسْبِقُكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ أَحَدٌ غَيْرُكُمْ!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را درباره قرآن و در عمل به قرآن در نظر بگیرید! مبدا افرادی غیر از شما که دارای مذهب شما نیستند، به قرآن عمل کنند، از ظواهر قرآن استفاده کنند و در عمل به قرآن از شما جلو بیفتند!»

اللّٰهُ اللّٰهُ فِى جِيرانِكُمْ! فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْصَى بِهِمْ! وَ مَا زالَ رَسولَ اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْصِى بِهِمْ حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُورِثُهُمْ!

«خدا را درباره همسایگانتان در نظر بگیرید! پیغمبر شما دائماً به همسایگان وصیت می‌کرد! و پیوسته رسول خدا وصیت به همسایگان می‌کرد تا به سر حدی که ما گمان بردیم که قرابت و نزدیکی همسایه با انسان به حدی است که پیغمبر می‌خواهد آنها را وارث انسان قرار بدهد!»

وصیت امیرالمؤمنین نسبت به خانه خدا،

نماز، زکات، ماه رمضان و فقرا

اللّٰهُ اللّٰهُ فِى بَيْتِ رَبِّكُمْ! فَلَا يَخْلُوا مِنْكُمْ مَا بَقِيتُمْ! فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاطَرُوا! وَ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أُمَّهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را در خانه پروردگارتان در حج و عمره و زیارت بیت‌الله الحرام در نظر بگیرید! مبدا آن خانه را از خود تنها بگذارید تا آنگاه که شما باقی هستید! بدانید که اگر خانه خدا ترک بشود و کسی برای زیارتش نرود، دیگر هیچ نظر رحمتی به شما نخواهد شد! و کمترین اجر و ثواب کسی که قصد خانه خدا می‌کند آن است که تمام گناهان گذشته او آمرزیده می‌شود.»

الله الله في الصلاة! فإنها خير العمل، إنها عمود دينكم!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را درباره نماز در نظر بگیرید! نماز بهترین اعمال است، حقاً نماز ستون دین شما است!»

الله الله في الزكاة! فإنها تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ!
«خدا را در ادای زکات در نظر بگیرید، و زکات مال خود را بدهید؛ چون زکات غضب پروردگار شما را خاموش می‌کند!»

الله الله في شهر رمضان! فإن صيامه جنة من النار!

«خدا را درباره ماه رمضان در نظر بگیرید! روزه ماه رمضان سپری است از آتش جهنم!»

الله الله في الفقراء و المساكين! فشاركوهم في معاشكم!

«خدا را درباره مستمندان و فقرا و بینوایان در نظر بگیرید! و آنها را در معیشت‌های خود شرکت بدهید!»

وصیت امیرالمؤمنین نسبت به جهاد، ذریه و

اصحاب پیغمبر، زنان و کنیزان

الله الله في الجهاد بأموالكم و أنفسكم و ألسنتكم! فإنما يُجاهد رجُلان: إمامٌ هُدَى أو مُطِيعٌ له مُقتدٍ بهُداة.

«خدا را درباره جهاد با اموال خود، با جان‌های خود و با زبان‌های خود در نظر بگیرید و با اینها در راه خدا جهاد کنید! فقط دو دسته در راه خدا مجاهدند: یکی آن پیشوایی که از روی هدایت و بصیرت، زمام امور مردم را در دست گرفته است و امام به‌حق و عادل برای جمعیت است؛ دیگر آن کسی که مطیع چنین امامی است و اقتدا به هدایت و راهنمایی او می‌کند؛ (و بقیه افراد مجاهد نیستند).»

الله الله في ذرية نبيكم! فلا يُظلمَنَّ بحضرتكم و بين ظهرانيكم، و أنتم تقدرون على الدفع عنهم!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را درباره ذریّه پیغمبر خود در نظر بگیرید! مبادا در میان شما و در حضور و غیبت شما آنها مورد ستم و ظلم واقع بشوند! مبادا در شهر شما آنها مورد ستم واقع بشوند و شما بتوانید از آنها دفع کنید ولی دفاع نکنید!»

اللّٰهُ اللّٰهُ فِى اَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ الَّذِيْنَ لَمْ يُحَدِّثُوْا حَدَثًا وَّ لَمْ يُؤْوُوْا مُحَدِّثًا! فَاِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَّ اٰلِهٖ اَوْصٰى بِهِمْ، وَّ لَعَنَ الْمُحَدِّثِ مَنْهُمْ وَّ مِنْ غَيْرِهِمْ وَّ الْمُؤْوٰى لِلْمُحَدِّثِ!

«خدا را درباره اصحاب پیغمبر خود در نظر بگیرید، آن اصحابی که بدعتی در دین نگذاشتند و حدّی ایجاد نکردند و بدعت‌گذارنده‌ای را مأوا ندادند! پیغمبر خدا به آن اصحاب پاک، سفارش می‌فرمود؛ ولی آن افرادی از صحابه خود را که حدّی در دین می‌گذاشتند و دین تازه‌ای به نام سنّت پیغمبر می‌آوردند و بدعتی می‌نهادند، لعن می‌کرد؛ و همچنین آن افرادی از اصحاب خود و از غیر از اصحاب خود را که به آن افرادی که بدعت می‌گذارند و ایجاد حدّی در دین می‌کردند، مأوا می‌دادند و کمک می‌کردند، لعن می‌کرد!»

اللّٰهُ فِى النِّسَاءِ وَّ فِى مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ! فَاِنَّ اٰخِرَ مَا تَكَلَّمُ بِهِ نَبِيُّكُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَنْ قَالَ: «اَوْصِيْكُمْ بِالضَّعِيْفِيْنَ: النِّسَاءِ وَّ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ!»

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را درباره زنان و درباره ممالیک خود در نظر بگیرید! باید به کنیزها و غلام‌هایی که زیر دست شما هستند خیلی احسان و رحمت کنید! آخرین سخنی که پیغمبر شما فرمود این بود: ”ای مردم، شما را وصیت می‌کنم به دو طایفه ضعیف که حق آنها را رعایت کنید: یکی طایفه زنان و دیگر ممالیک شما!“»

وصیت امیرالمؤمنین به پایداری در راه خدا، احسان و کمک به دیگران، امر به معروف و نهی از منکر

الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ! «نماز، نماز، نماز!»
لا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً! يَكْفِكُمْ اللَّهُ مَنْ آذَاكُمْ
وَبَغَى عَلَيْكُمْ!

«در راه خدا از هیچ امری نترسید و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای باک نداشته باشید! خدا خودش از اذیت افرادی که می‌خواهند شما را آزار بدهند و بر شما ستمی بکنند، کفایت می‌کند! شما در راه خدا حرکت کنید و باکی نداشته باشید؛ خدا حافظ شما است!»
(وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)¹، كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ!

«(با مردم به نیکی برخورد کنید! (زبان خوش داشته باشید، امر به خوبی کنید و دعوت به بدی نکنید.)) کما اینکه خدای عزوجل شما را به آن امر کرده است!»
و لا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُؤَلِّيَ اللَّهُ أَمْرَكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ!

«امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ که اگر ترک کردید خداوند بدان شما را بر شما مسلط می‌کند که زمام امور شما را به دست بگیرند، سپس هرچه دعا کنید دیگر مستجاب نمی‌شود!»

و عَلَيْكُمْ - يَا بَنِيَّ - بِالتَّوَّاصِلِ وَ التَّبَادُلِ وَ التَّبَارِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّقَاطُعَ وَ التَّدَابُرَ وَ التَّفَرُّقَ!
«ای فرزندان من، بر شما باد و لازم و واجب است که با یکدیگر وصل کنید، اتحاد کنید، درباره یکدیگر ایثار کنید، فداکار باشید، شما مال خود را به دیگری بذل کنید و دیگری به شما بذل کند، و برّ و احسان شما از هریک

¹ سوره بقره (۲) آیه ۸۳.

به دیگری برسد! و مبادا شما به یکدیگر پشت کنید و جدایی اختیار کنید و احسان و مودت و صمیمیت و اتحاد بین شما بریده شود!»

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾.¹

«تا می‌توانید به یکدیگر کمک کنید! هر چه می‌توانید در برّ و تقوا، در نیکی، در احسان، در کارهای خوب و در کارهایی که انسان را به تقوا می‌رساند، کمک کنید! و بر گناه و ستم کمک نکنید، و هر جا که می‌بینید جای گناه یا جای ستم است، خودتان را کنار بکشید و به هیچ وجه کمک‌کار در آن کار نباشید! و از خدا بپرهیزید که خدا ﴿شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ است!»

حَفِظَكُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ، وَ حَفِظَ فِيكُمْ نَبِيِّكُمْ! أَسْتودِعُكُمْ اللَّهَ وَ أَقرءُ عَلَيْكُمُ السَّلَامَ وَ رَحْمَةً اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ!

«خدا این‌شاء‌الله همه شما را حفظ کند، که شما اهل بیت من و از این خاندان هستید، و خدا در میان شما پیغمبر شما را حفظ کند! (یعنی سنت و آیین پیغمبر را در قلوب شما حفظ کند تا وجود شما همیشه ملازم با پیغمبر باشد و از حیات پیغمبر در دل‌های شما باشد.) همه شما را به خدا می‌سپارم، با همه شما وداع می‌کنم و بر همه شما سلام می‌فرستم، سلام خدا و رحمت خدا و برکات خدا بر شما باد!»

ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» حَتَّى قُتِلَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ «آن حضرت بعد از این وصیت دائماً می‌گفت: ”لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ!“ تا اینکه روح مبارکش به عالم ملکوت رهسپار شد.»²

این وصیتی است که مسلماً امروز فرموده است؛ چون از ذیل این وصیت که می‌فرماید: «ثُمَّ

¹ 11 سوره مائده (۵) آیه ۲.
² الکافی، ج ۷، ص ۵۱.

لم يَزَلْ يَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» حَتَّى قُتِلَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ» معلوم می‌شود که آخرین وصیت آن حضرت است و امیرالمؤمنین علیه السلام واقعاً جهات مهمی را در این وصیت تذکر داده است و به ما سفارش کرده است.

امیدواریم که از مقام ولایت آن حضرت کمکی بشود و ما از این به بعد موفق بشویم که به این وصیت آن حضرت عمل کنیم و نماز، زکات، روزه ماه رمضان، عمل به قرآن، حج بیت‌الله الحرام، کمک به مستمندان و فقیران و مسکینان و یتیمان و مراعات زنان و سایر اموری را که آن حضرت در این وصیت‌نامه به ما تذکر داده‌اند، محترم بشماریم.

ذکر شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام

روایتی در بحار الانوار است که محمد بن حنفیه روایت می‌کند:

در شب بیستم ماه رمضان، آثار زهر در قدم‌های پدرم امیرالمؤمنین ظاهر شد. در آن شب نتوانست ایستاده نماز بخواند و تا صبح نمازها را نشسته می‌خواند و از شدت اثر سم تا صبح آن حضرت را خواب نبرد، و دائماً با ما صحبت می‌کرد و ما را به غیب دلالت می‌کرد و ما را تسلی می‌داد. صبح که شد فرمود: «در را باز کنید تا هر کسی می‌خواهد به عیادت من بیاید، بیاید!»

ما در را باز کردیم و مردم دسته‌دسته برای عیادت پدرم می‌آمدند. پدرم می‌فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي! هرچه می‌خواهید سؤال کنید قبل از اینکه دیگر مرا نیابید!» مردم سؤال می‌کردند، و آقا به جهت وضعیت‌شان می‌فرمودند: «هرچه می‌خواهید سؤال کنید، ولی سؤال‌های خود را کوتاه و سبک کنید!»

حُجر بن عَدی که از اصحاب بزرگوار آن حضرت است، برخاست و چند بیت شعر در [رثاء آن حضرت و برائت از قاتلان و دشمنان حضرت خواند.

امیرالمؤمنین فرمود: «چه حالی داری» در آن وقتی که تو را بطلبند و بگویند که از علی بیزاری بجوی!»

گفت: «قسم به خدا اگر مرا زیر شمشیر قطعه‌قطعه کنند و بعد آتش بزنند، من از تو برائت نخواهم جُست!» امیرالمؤمنین

علیه السّلام درباره او دعای خیری کرد.¹ بعد از این، [ابن‌ملجم را وارد کردند].

حضرت اُمّ‌کلثوم رو به ابن‌ملجم کرد و گفت: «ای ابن‌ملجم، کار بزرگی کردی! اگر

امیرالمؤمنین بهبودی بیابد وای به حال تو!» ابن‌ملجم گفت: «امیرالمؤمنین بهبودی بیابد!

کجا بهبودی بیابد؟! پس تو چرا گریه می‌کنی؟ آیا بر من گریه می‌کنی یا بر علی؟ من

شمشیری به هزار درهم خریدم و هزار درهم به آن سمّ دادم، و چنان ضربتی زدم که اگر

بر اهل عالم قسمت کنند همه می‌میرند!»² این ضربت ابن‌ملجم بود!

أصبع بن نباته می‌گوید:

من وارد شدم و دیدم که امیرالمؤمنین از شدت درد، یک پای خود را بلند می‌کند و می‌گذارد،

بعد پای دیگر را بلند می‌کند و می‌گذارد.³ [راوی می‌گوید]:

حال آقا ساعت به ساعت سنگین می‌شد و فرمود که درب منزل را ببندند، و دیگر کسی

برای ملاقات نمی‌آمد. تمام پسران و دختران را امر فرمود تا همه حاضر شدند. ذکر آن

حضرت «لا إله إلا الله» بود و بس! تقریباً

¹ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۹۰.

² همان، ص ۲۸۹، به نقل از الإرشاد، ج ۱، ص ۲۱.

³ الرّوضة فی فضائل أمير المؤمنين، ابن‌شاذان، ص ۱۳۲.

ثلثی از شب که گذشت، بدن آقا عرق عرق شد و عرق از پیشانی مبارکش مانند دانه‌های درّ می‌ریخت، آقا عرق‌های پیشانی را با دست پاک می‌کرد و می‌فرمود: «شنیدم از رسول خدا که می‌فرمود: ”وقتی وفات مؤمن نزدیک می‌شود، پیشانی‌اش عرق می‌کند و ناله او ساکت می‌شود.“»

حضرت امام حسن عرض کرد: «پدر جان، طوری صحبت می‌کنی کأنّ به‌کلی از خود نا امید شده‌ای!»

فرمود: «آری، چند لحظه‌ای دیگر من با شما نیستم! چهار شب پیش در شب هفدهم ماه رمضان، به شکرانه فتح بدر که در روز هفدهم ماه رمضان اتفاق افتاد، من تا صبح بیدار بودم، در بین الطلوعین از شدت بیدار ماندن، سرم را روی زانو گذاشته بودم که به یک چرت مختصری رفتم، جدّت رسول خدا را دیدم و به آن حضرت عرض کردم: یا رسول‌الله، ماذا لَقِيتُ مِنْ أُمَّتِكَ مِنَ الْأَوْدِ وَاللَّدْدِ! ¹ ”چقدر من از دست این امت آزار کشیدم و چقدر اینها با من دشمنی و شقاوت و بدبختی کردند!“

پیغمبر فرمود: ”ای علی، دعا کن!“ من دعا کردم: خدایا، بعد از من بدان را بر آنها مسلط کن و به عوض آنها، ملاقات خوبان را نصیب من کن!

جدّت فرمود: ”ای علی، دعایت مستجاب شده است و سه شب دیگر میهمان ما هستی!“ ای حسن! این شب، شب سوّم است!»

1¹ مطابق نسخه نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۹۹، خطبه ۷۰. نسخه بحار الأنوار: «فَشَكَّوتُ إِلَيْهِ مَا أَنَا فِيهِ مِنَ التَّنَزُّلِ وَالْأَذَى مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ.»

حضرت به امام حسن فرمود:

«تو را وصیّت می‌کنم که بعد از من به صبر و بردباری رفتار کنی و با برادران خود به مهربانی و عطوفت! از همه آنها سرپرستی کنی و با برادرت محمد بن حنفیه مهربان باش! می‌دانی که من او را دوست دارم، و او فرزند پدر تو است. اما درباره حسین، او فرزند زهرا است و برادر اعیانی¹ تو است، و دیگر احتیاج به وصیّت و سفارش نیست!»

حضرت امام حسن خیلی گریه می‌کرد، امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: «تو را به جان من و به حقّ من بر تو، گریه نکن!»

فرزندش امام حسن عرض کرد: «پدر جان، کمر ما را شکستی! به خدا قسم آن قدر گریه برای مصیبت تو باشد!»

آقا از هوش رفت! سیّدالشّهدا علیه السّلام مانند ابر بهار گریه می‌کرد و از شدّت گریه، چشمانش آماس و ورم کرده بود. اشک‌های آن حضرت به صورت امیرالمؤمنین ریخت، حضرت چشمان خود را باز کرد و حضرت امام حسین را در آغوش گرفت و فرمود:

«تو را به حقّی که بر تو دارم، گریه نکن! الآن در آسمان‌ها بودم، دیدم گریه تو ملائکه آسمان را به گریه درآورده است! ای حسین من! بعد از این، این امّت کینه‌های دیرینه‌ای از شما خواهند کشید و شما را به انواع مصائب مبتلا خواهند کرد، و تو را با تیر ستم شهید می‌کنند! بر تو باد به استقامت و صبر و تفویض امور خود به خداوند متعال!»

آقا نگاهی به سایر فرزندان کرد و فرمود:

«ای فرزندان من، دست از این دو برادر خود بر ندارید! از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: **”إِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ إِمَامَانِ، قَامَا أَوْ قَعَدَا؛**

¹ یعنی برادر پدري و مادري. (محقق)

حسن و حسین دو امام به‌حقّ‌اند؛ قیام کنند یا
قعود!«^۱ در تمام مراحل از آنها پشتیبانی کنید،
امر آنها را اجرا کنید و از آنها جدا نشوید!
خدا همه شما را مورد رحمت و عافیت و
مغفرت قرار بدهد!»

آقا بی‌هوش شد، دیگر رمقی نمانده است!
صدای شیون و ناله از همه افرادی که کنار
بستر حضرت بودند بلند شد! چند لحظه‌ای
نگذشت که چشمان خود را باز کرد صدا زد:
«ای نور دیدگان من، همه شما را به خدا
می‌سپارم! الآن پیغمبر آمده است، حمزه
سیدالشهدا آمده است، برادرم جعفر آمده است،
و می‌گویند: «ای علی، بهشت را زینت
کرده‌ایم، زود به‌سوی ما بشتاب! ما همه
انتظار ملاقات تو را داریم.»»

آن وقت فرمود: «ای ملائکه‌ای که به
استقبال علی آمده‌اید، سلام من بر شما! (لِمِثْلِ هَذَا
فَلْيَعْمَلِ الْعَمَلُونَ)»^۲ (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ
مُحْسِنُونَ)»^۳»^۴ (برای اینکه اکنون نخستین ساعتی
است که نتیجه ایمان و جهاد و عبادت در آن ساعت
وارد می‌شود!)

این آخرین خطبه حضرت بود. [راوی
می‌گوید]:

حضرت یک نظر مرحمت دیگر به تمام اولاد
کرد و بعداً پاهای خود را رو به قبله کشید و
صدا زد: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ!»

صدای شیون و ناله از خانه امیرالمؤمنین بلند

¹ مطابق نسخه مناقب آل ابی‌طالب علیهم السّلام، ج ۳، ص ۳۹۴.
نسخه بحار الأنوار: «أوصاهم أن لا يُخالفوا أولادَ فاطمة، یعنی الحسن
و الحسين.»

² سوره صافات (۳۷) آیه ۶۱. رساله لبّ اللباب، ص ۱۸، تعلیقه:
«برای چنین چیزی، عمل‌کنندگان باید عمل کنند!»

³ سوره نحل (۱۶) آیه ۱۲۸. رساله لبّ اللباب، ص ۱۸، تعلیقه:
«خداوند همراه کسانی است که تقوا گزیده‌اند و آنان که ایشان
نیکوکارند.»

⁴ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۹۱، باقدری اختلاف.

شد، همه فریاد می‌زدند: «وا أَبْتَاه، وا أَبْتَاه، وا
إِماما، وا عَلِيَّاه، وا عَلِيَّاه، وا مُحَمَّدَاه، وا
جَعْفَرَاه، وا مُصْطَفَاه!»

جبرائیل امین در میان آسمان و زمین صدا
می‌کرد: «ای اهل عالم، علی را کشتند!»
صدای جبرئیل به تمام خانه‌های کوفه رسید و
صدای شیون و ناله از همه خانه‌ها بلند شد:
«وا عَلِيَّاه، وا عَلِيَّاه، وا عَلِيَّاه، وا عَلِيَّاه!»¹

¹ رجوع شود به بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۹۳، با قدری اختلاف.